



# پرچم اسلامسرود ملی مسلمانان

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود لطیفی / **بخش سوم**

کمال بخشیده و آرامش یافته و نمازش حضوری و

اثری و نفع و سودی برای جامعه اسلامی ندارد؛ لذا اگر نمازی را فرادا خوانده و سپس به نماز جماعتی

می‌رسد، از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «یصلی معهم ویجعلها الفریضة...؛ همراه مسلمانان نمازجماعت بگزارد و همان را نماز واجبش بشمارد.»

کسی که در نماز جماعت مسلمانان شرکت نمی‌کند و حضور اجتماعی در جمع مسلمانان ندارد، همانند گوسفندی است که از گله جدا افتاده و چنین گوسفندی لقمه گرگان خواهد شد. در حدیثی نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الشیطان ذنب الانسان کذنب الغنم ...؛ شیطان گرگ انسان است؛ همانند گرگ گوسفندان که در پی گوسفندان است که از گله جامانده یا جدا افتاده‌اند؛» پس از دسته‌بندی و تفرقه‌بهریزید و از حضور در نماز جماعت و مسجد و جمع مسلمانان غافل نشوید. شخصی که از جمع برادران ایمانی خود جدا می‌ماند، گویا زندگی خود را در معرض تلف قرار داده و بیمه نکرده است. در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «من صلی اربعین یوما الصلوات فی جماعة ...؛ کسی که چهل روز نمازهایش را در جماعت بخواند و حتی یک تکبیره‌الاحرامش را غایب نباشد، برای او دو برگه آزادی صادر می‌شود: آزادی از نفاق و آزادی از آتش.»

آداب اولیه این حضور اجتماعی آموزش و تمرین نظم و اتحاد است تا با تفاوت چهره‌ها و رنگ‌ها و لباس‌ها و... همه در یک صف قرار گیرند. در حدیثی حضرت امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمود: «سَوَّابِینَ صَفَوفَکُمْ وَ حَاذُوا بَیْنَ مَنَاکِبَکُمْ لَا یَسْتَحِذُ عَلَیْکُمُ الشَّیْطَانُ؛ صف‌ها خود را منظم و شانه‌های‌تان را محاذی یکدیگر قرار دهید تا شیطان بر شما چیره نشود» و در حدیث دیگر نیز از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «یا ایها الناس اقیموا صَفَوفَکُمْ وَاَمْسَحُوا بَمَنَاکِبِکُمْ...؛ ای مردم! صف‌های خود را منظم و راست و شانه‌ها را محاذات هم قرار دهید تا میان شما رخنه‌ای واقع نشود و پس و پیش نایستید تا مبادا خداوند قلب‌های‌تان را به اختلاف اندازد و بدانید که من – به‌هنگام ایستادن به امامت– از پشت سر شما را می‌بینم.» و در حدیثی که عامه نقل کرده‌اند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ان الله وملائکته یصلون علی الذین یصلون الصّوفف الاول، خداوند متعال و فرشتگانش به کسانی که صف‌های نماز را به ترتیب پر می‌کنند، درود می‌فرستند. نظم صف‌های جماعت و پرکردن

در این بخش به برخی از اصول اجتماعی که در آموزشگاه عبادی نماز جماعت تدریس می‌شود، اشاره می‌کنیم:

##### ۱. نظم و هماهنگی

یکی از برجسته‌ترین آموزه‌های نماز و به‌ویژه نماز جماعت، نظم و انسجام، هماهنگی، همبستگی، یکپارچگی و اتحاد است. گرچه هریک از این واژه‌ها معنای خاص خود را دارد و در نماز جماعت بروز و ظهور ویژه‌ای دارد؛ ولی ما ناچاریم به کلیاتی از آنها پرداخته و تفصیل آن را به خوانندگان عزیز و صاحب فضل واگذاریم. نظم در لغت قرینه قراردادن دو شیء با همدیگر و یا ضمیمه‌نمودن آن دو با یکدیگر است و به‌تعبیر دیگر چیدن مهره‌ها در یک ردیف مرتب و به نخ‌کشیدن آنها را نظم و نظام می‌گویند. پس نظم، نوعی پیوند خاص بین دو شیء و یا چینش مرتب اجزای یک شیء است که با نگاه و توجه به آن، مفاهیمی چون: آراستگی، به‌سامان بودن، انتظام، پیوستگی، ترتیب، سازماندهی، قاعده‌مندی، محاسبه، قانون‌مندی، همبستگی، یکپارچگی و اتحاد را می‌توان تصور نمود.

خداوند متعال، جهان را بر اساس نظم آفریده است: ﴿الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی﴾ (اعلی:۳-۲) و انسان که خود جزئی از این نظام تکوینی به‌هم‌پیوسته و منسجم است، موظف است تا در زندگی اجتماعی خود و در عالم تشریع همان نظم و همبستگی را بیافریند و به تصویر بکشد. امیرالمومنین علیه السلام در آخرین لحظات زندگی انسان‌های همه تاریخ را پس از اصل تقوا که درواقع، گونه‌ای از هماهنگی با نظام الهی هستی است، به نظم در امور و برنامه‌های زندگی توصیه می‌فرماید: «اوصیکم بتقوی الله ونظم امرکم».

نظم و هماهنگی در مجموعه‌های انسانی، با تمرکز بر هدف مشترک، هم‌قصدی، همراهی، موافقت، دم‌سازی، یکپارچگی، یک‌دستی، سازگاری، تعامل، همسویی و هم‌صدایی و نیز خالص‌نمودن انگیزه‌ها و نیت‌ها و رفع و اصلاح تعارضات و طرد و نفی تناقضات و از همه مهم‌تر، شناخت و فهم فرهنگ جمعی و انضباط گروهی و به‌هم‌پیوستگی در یک مجموعه، همه و همه را خداوند در قالب عبادتی به‌نام نماز و به‌ویژه حالت جماعت آن به مسلمانان آموزش داده است. بجای آوردن نماز و تکرار آن در طول شبانه‌روز و در قالب رفتارها و سخنانی همدست و هم‌داستان و در صفوفی منظم و به‌هم‌پیوسته، میدان تمرینی برای اتحاد و یکپارچگی و انسجام و همبستگی و هماهنگی بین اعضای جامعه اسلامی است. نماز جماعت همه مسلمانان را برگرد محور توحید و تولی به ولایت الهی متحد می‌سازد و مسلمانان را همانند

فرشتگان در عرش الهی در صف‌هایی مرتب و با آهنگی منظم به صف می‌کشد. به‌تعبیر مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی «قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد؛ زیراکه قرآن نمی‌فرماید، به‌تنهایی نماز کن؛ بلکه علاوه بر آن، تولید نمازگزار و اقامه صلاۀ را در عهده مسلمین گذارد. » شاید بسیاری از فضائل و ثواب‌ها که برای نماز جماعت ذکر شده، برای تمرین همین اتحاد و هماهنگی است.

حضرت امام صادق علیه السلام در حدیث مشهور مناهی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «من مشی الی مسجد یطلب فیها الجماعة کان له بكل خطوة سبعون الف حسنة...» کسی که برای شرکت در نماز جماعت به سمت مسجدی برود، برای هر گامش، هفتاد هزار حسنه پاداش می‌گیرد و به‌همین نسبت درجه کسب می‌کند و اگر در این مسیر از دنیا برود، خداوند هفتاد هزار فرشته را موظف می‌کند، در قبر همنشین او باشند و او را عبادت کنند و مژده دهند و تا روز حشر برایش از خداوند طلب بخشش کنند. شاید علت فزونی ثواب این باشد که انسان با حضور اجتماعی خود، به موضوع، ضریب می‌دهد و به‌تناسب اهمیت موضوع و شرایط خاص زمانی و مکانی و آثار و پیامدهای حضور، آن کار ارزش می‌یابد. در حدیثی دیگر نقل شده است: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در پاسخ یهودیانی که از حضور مسلمانان در نمازجماعت نگران شده بودند، فرمود: «فانّ صفوف امتی کصفوف الملائكة...؛ صف‌های نمازجماعت امت همانند صف‌های فرشتگان است و ثواب یک رکعت جماعت برابر بیست و چهار رکعت فراداست و هر رکعت جماعت نزد خدا برابر چهل سال عبادت است و اما روز جمعه – و حضور در نمازجمعه– خداوند همه اولین و آخرین را برای محاسبه فرامی‌خواند؛ پس هرکه به نمازجماعت برود، خداوند نگرانی‌های روز قیامت را بر او تخفیف می‌دهد و او را به بهشت فرمان می‌دهد.»

و در حدیث دیگری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ثلاث درجات...سه کار درجه انسان را بالا می‌برد: در هوای سرد. و با آب سرد. وضوهای شاداب گرفتن، وعده‌های نماز را انتظارکشیدن و شبانه‌روز – در گرمای روز و تاریکی شب – در نمازجماعت حاضرشدن. در حدیث دیگری اعرابی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض داشت: بارها برای سفر حج مهیا شده‌ام؛ اما نتوانستم بروم. پیامبر خدا فرمود: «علیک بالجمعة فانها حج المساکین؛ نماز جمعه برو که حج مستمندان است.» در حدیث دیگری از حضرت امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است: «من سمع النداء فلم یجبه من غیر علة فإلصاۀ له؛ کسی که صدای اذان را بشنود و در نماز جماعت حاضر نشود، نمازش پذیرفته نیست.» معلوم می‌شود، کسی که علی‌رغم دعوت الهی برای اتحاد، در متن جامعه اسلامی حضور ندارد، در عبادت الهی نیز حضور ندارد. او حتی اگر نمازی با خضوع و خشوع بگزارد، تنها به عالم خلسه خود



نمازجماعت یکی از بهترین میدان‌های تمرین رعایت حقوق یکدیگر است و اگر کسی در این کلاس عبادت و آموزش نتواند حقوق بندگان خدا را مراعات بنماید در هیچ میدان دیگری به آن موفق نخواهد شد. رعایت حقوق از اصول بسیار گسترده فرهنگ اسلامی است و تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این است: «فالحق اوسع الاشیاء فی التواصف واضیقها فی التناصف؛

حق در مقام بحث و توصیف گسترده‌ترین مفهوم و در مقام عمل و تحقق خارجی سخت‌ترین و دشوارترین است.» شیخ انصاری رحمته الله علیه، فقیه نامدار قرن ۱۴ در فصل غیبت از مکاسب محرمه، عنوانی مهم را به حقوق برادر مؤمن اختصاص داده؛ ولی متأسفانه آموزش عملی آن در هیچ حوزه و دانشگاهی تدریس نمی‌شود!

و سپس رعایت آن است. نگاه انسان نمازگزار به برادر مؤمن نمازگزار خود که شبانه‌روز در یک صف می‌نشینند، نگاهی محبت‌آمیز و ویژه است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «من صلی الغداة والعشاء الاخرة فی جماعة فهو فی ذمة الله عزوجل ...؛ کسی که نماز صبح و عشاءش را در جماعت می‌گزارد، در پناه خدای بزرگ است و هرکس به او ستم روا دارد، گویا به خدا ستم نموده و هرکه او را حقیر و خوار بشمارد، خدا را کوچک شمرده است.» او در حدیث دیگری که بخشی از حدیث مناهی است، از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «من حافظ علی الصف الاول والتکبيرة الاولى ...؛ هرکسی که بر حضور در صف اول نماز و درک تکبیره‌الاحرام امام مواظبت دارد و – با مرور بین صف‌ها– به مؤمنان آزار نمی‌رساند، پاداشی چون پاداش مؤذنان–دعوت‌کنندگان به عبادت خدا– را دریافت می‌کند.» در این حدیث رعایت حقوق نمازگزاران شرط دسترسی به ثواب می‌باشد. در این مقام حتی امام جماعت با همه حرمتی که در این مجموعه دارد – و ان‌شاءالله به آن خواهیم پرداخت – اگر در رعایت حقوق کوتاهی کند، مورد عتاب قرار می‌گیرد. در حدیثی آمده است: «وکان معاذ یؤم فی مسجد علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله ...؛ معاذبن جبل در دوره حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، در مسجدی امامت جماعت داشت و در نمازهایش سوره‌های بلند و طولانی را می‌خواند. روزی شخصی در نماز جماعت او حاضر شد و او نیز سوره‌ای طولانی را شروع کرد. آن شخص – به دلیل عجله – نمازش را فرادا نمود و سوار مرکبش شد و رفت. این خبر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید، حضرت معاذ را خواست و به او فرمود: «اتاک ان تکون فتانا؛ مبادا فتنه‌گر باشی – مردم را به زحمت اندازی – در نمازت سوره‌هایی چون سوره شمس و مانند آن را بخوان.»

نمازجماعت یکی از بهترین میدان‌های تمرین رعایت حقوق یکدیگر است و اگر کسی در این کلاس عبادت و آموزش، نتواند حقوق بندگان خدا را مراعات بنماید، در هیچ میدان دیگری به آن

موفق نخواهد شد. رعایت حقوق از اصول بسیار گسترده فرهنگ اسلامی است و تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این است: «فالحق اوسع الاشیاء فی التواصف واضیقها فی التناصف؛ حق در مقام بحث و توصیف گسترده‌ترین مفهوم و در مقام عمل و تحقق خارجی سخت‌ترین و دشوارترین است.» شیخ انصاری رحمته الله علیه، فقیه نامدار قرن ۱۴ در فصل غیبت از مکاسب محرمه، عنوانی مهم را به حقوق برادر مؤمن اختصاص داده؛ ولی متأسفانه آموزش عملی آن در هیچ حوزه و دانشگاهی تدریس نمی‌شود!

از رعایت حقوق افراد دشوارتر، تقدیم حق عامه و جامعه بر حق شخص است که متأسفانه در جامعه اسلامی امروز و گذشته به‌دلیل استیثار و خودخواهی اربابان قدرت و ثروت و اندیشه‌های سیاسی برخاسته از همین نگاه، رسماً به فراموشی سپرده شده است. در نمازجماعت احکامی آمده که در آنها حق جمع و جماعت بر حق فرد مقدم شده و یا به‌تعبیری، رعایت حکم جماعت بر تکلیف فردی ترجیح داده شده است؛ مثلاً راه رفتن در حال نماز مبطل نماز است؛ اما برای رسیدن به صف جماعت به‌شرط عدم انحراف از قبله مانعی ندارد یا در نماز جهریه، آهسته خواندن قرائت جائز نیست؛ اما در جماعت لازم است یا تکرار رکوع و سجده – عمداً یا سهواً – مبطل نماز است؛ اما مأمومی که به‌اشتباه سر از سجده و رکوع برمی‌دارد، می‌تواند برای تبعیت از امام و جماعت به رکوع و سجده برگردد و یا اقتدا در حال تشهد و سلام امام و برخاستن پس از سلام امام و ادامه‌دادن نماز، فاصله بسیار و فعل کثیر بین اجزای نماز محسوب نمی‌شود و یا استحباب تأخیر نماز اول وقت برای اقامه آن به جماعت و ... به‌دلیل اهتمام به جماعت و تقدیم حکم جماعت بر فرد است.

مهم‌تر از موارد ذکرشده، این معنا که حاکم اسلامی می‌تواند در حقوق و ملک افرادی که در جماعت حاضر نمی‌شوند، تصرف کند، در احادیث تکرار شده است. در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اشترط رسول الله صلی الله علیه و آله علی حیران المسجد شهود الصلاة وقال ...؛ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از همسایگان مسجد برای حضور در نماز تعهد گرفت و فرمود: باید افرادی که به نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، از این کار دست بردارند؛ وگرنه دستور می‌دهم، اذان و اقامه گفته شود. آنگاه به امیرالمؤمنین علیه السلام – که در اجرای فرمان پیامبر درنگ نمی‌کرد– دستور داد تا خانه کسانی را که با شنیدن اذان و اقامه به مسجد و نماز نیامده‌اند، آتش بزند! این مضمون در احادیث عامه و خاصه تکرار شده است. در تعبیری آمده است که: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله لغوم: «لتحضرن المسجد او لاحرقن علیکم منازلکم؛ باید در نمازجماعت مسجد حاضر شوید؛ وگرنه خانه‌های‌تان را آتش می‌زنم.» و در تعبیری دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هم رسول الله صلی الله علیه و آله باحراق قوم فی منازلهم کانوا ...؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت تا عده‌ای را در خانه‌های‌شان به آتش بکشد؛ زیرا در خانه خود نماز می‌خواندند و به جماعت حاضر نمی‌شدند.

در این میان نایبانی آمد و گفت: یا رسول الله گاهی کسی نیست تا دست مرا بگیرد و به مسجد بیاورد. حضرت فرمود: بندی از خانه خود به مسجد بکش و با آن خود را به مسجد برسان.» و در حدیث دیگر که صاحب عروه رحمته الله علیه نقل کرده آمده است: «ان امیرالمومنین علیه السلام بلغه ان قوما لا یحضرون الصلاة فی المسجد فخطب فقال: ...؛ به امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده شد که عده‌ای در نماز جماعت مسجد حاضر نمی‌شوند. آنگاه خطبه‌ای خواند و در ضمن آن فرمود: عده‌ای در مسجد و جماعت مسلمانان حاضر نمی‌شوند. فلائقاکلونا و لا یشاربونا و لا یشاورونا و لا یناکحونا او یحضروا معنا صلاتنا جماعة؛ با ما همسفره نشوند و هم‌نشین نباشند و ازدواج نکنند؛ مگر اینکه در نماز جماعت حاضر شوند و احتمال دارد، دستور دهم خانه‌های‌شان را آتش بزنند تا سخنرانی با آنان قطع رابطه کردند تا آنان به‌ناچار برگشتند.» و در حدیثی قابل تأمل امام صادق از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده است: لا صلاة لمن لا یصلی فی المسجد الا من علة ...؛ کسی که همراه با مسلمانان – بدون هیچ دلیل – در مسجد نماز نمی‌گزارد، نماز ندارد و غیبت کسی جائز نیست؛ مگر کسی که در خانه‌اش نماز می‌خواند و از جماعت مسجد روی گردان است. چنین کسی از عدالت ساقط و قطع رابطه با او واجب است و اگر خبرش به گوش امام جامعه برسد، باید او را از این کار باز دارد و هشدار بدهد و البته اگر کسی ملزم نماز جماعت است، غیبتش حرام و عدالتش ثابت است.

ادامه دارد...